



## رقصی فراز دار

بیاد جانباختگان

تب عشق از یاد پروانه رفت  
گل سرخ از نرده خانه رفت  
خدا از شبستان مسجد گذشت  
صفا از صداها میخانه رفت

نهالی بلوری که در خانه بود  
بلندای شاخش کیودی گرفت  
نگاهی که در باغ گل می دوید  
از آغوش شبنم غریبانه رفت

به دنبال یک ایده بر بال موج  
دویدن به بن بست خالی رسید  
قلم در سحرگاه گفتن شکست  
و آن ایده از کاسه دزدانه رفت

ستم از بلوغ چمن سیر شد  
شب شهر پروانه ها را شمرد  
نهالی که پیوسته سر می کشید  
نداده برو بار ، بی دانه رفت

گلی را که خورشید بالش گشود  
هم آورد زنجیر و دیوار شد  
به بالای داری که افراختند  
شکیبانه رقصید، جانانه رفت

تمنای موجی که در ریشه بود  
نهال به جا مانده را آب داد  
امید دمیدن چنان زنده شد  
که خواب از سر دزد بیگانه رفت

پنجشنبه 10 مرداد 1387  
داریوش لعل ریاحی  
Dlr1266@hotmail.com